



بررسی و ارزیابی نگرش آبخیزنشینان نسبت به مشارکت در واگذاری معادن از منظر عوامل اقتصادی (مطالعه‌ی موردی: حوزه‌ی آبخیز دریاچه‌ی بختگان)

سید مسعود سلیمان‌پور^{۱*}، حسین قره‌داغی^۲، حسن بنی‌اسدی^۳

۱- استادیار مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان

۳- دانش‌آموخته‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد آبخیزداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان

* (m.soleimanpour@yahoo.com)

چکیده

در کشورهای در حال توسعه، معدن‌کاری، اغلب با بی‌توجهی به آثار اجتماعی آن همراه بوده است. دلیل عمده‌ی این امر، سرمایه‌گذاری بر مبنای منفعت و صرف اقتصادی است. در بسیاری از موارد، سرمایه‌گذاری بدون توجه به آثار اجتماعی ناشی از آن انجام پذیرفته است. عدم توجه به مشارکت آبخیزنشینان در این امر باعث می‌شود که اکثر مناطق اطراف مجموعه‌های بزرگ معدنی، پیشرفت متعادل و متناسب با فعالیت‌های مذکور را در طول سالیان مختلف نداشته باشند. بدین منظور پژوهش حاضر اقدام به بررسی و ارزیابی نگرش آبخیزنشینان نسبت به مشارکت در واگذاری معادن از منظر عوامل اقتصادی در حوزه‌ی آبخیز دریاچه‌ی بختگان نموده است. نتایج نشان داد افزایش میزان جمعیت، پدیده‌ی واگذاری معادن را به طور زیادی افزایش داده است. همچنین انگیزه‌های اقتصادی تأثیر بیشتری را در گرایش به بهره‌برداری از معادن منطقه داشته است. همچنین افزایش میزان بهره‌برداران از معادن در منطقه نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به سایر پارامترهای مورد بررسی در این زمینه ایفا می‌کند.

کلمات کلیدی: آبخیزنشینان، اقتصادی، دریاچه‌ی بختگان، مشارکت، معادن.

مقدمه

امروزه در دنیا از مشارکت مردم، به عنوان بهترین و مؤثرترین شیوه در دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار در کلیه‌ی طرح‌های اجتماعی و اقتصادی استفاده می‌شود. آنچه در سال‌های اخیر تحت عنوان توسعه‌ی پایدار مطرح شده است، دستیابی به یک شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی است که فرصت مناسب برای شکوفایی کامل استعدادها و استفاده از توان حداکثری فرصت‌ها در جهت تحول و توسعه‌ی منابع انسانی را فراهم آورد. در این راستا، تطابق ساز و کارهای مشارکت با ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی، به منظور تحول مطلوب، و گام در جهت توسعه‌ی پایدار، حائز اهمیت است (سلیمان‌پور، ۱۳۸۶). بایستی در روند مشارکت به این نکته توجه داشت که مشارکت فرآیندی است که به افراد ذی‌نفع در کلیه‌ی مراحل برنامه، فرصت اظهار نظر داده می‌شود و نظارت آنان را در مراحل برنامه‌ریزی، و اجرا دخالت داده می‌شود. در این فرآیند، هزینه‌ها و منافع حاصل از اجرای برنامه بین تمام افراد تقسیم می‌شود و امکان افزایش کارایی برنامه‌های توسعه‌ای را فراهم می‌نماید. برداشتن موانع موجود در طی فرآیند جلب مشارکت، مقوله‌ای است که صرفاً بر اساس فرهنگ‌سازی محض در جوامع محلی



میسر نخواهد شد؛ بلکه نیاز به تجدید نظر در عملکرد کلیه متولیان مربوطه اعم از دستگاه‌های اجرایی، بانک‌های طرف قرارداد، شرکت‌های مهندسی مشاور به عنوان تیم‌های متخصص، و سایر نهادهای مرتبط با اهداف اصلاح نگرش به عملکرد گذشته دارد (دیانتی و سلیمان‌پور، ۱۳۹۳).

تعهد مردم بومی و درک صحیح آنان از حفاظت منابع یک اصل مهم در هر نوع برنامه‌ریزی حفاظتی است که البته برخی از دولت‌ها به آن توجه خاص داشته و موفقیت‌های شایان توجهی نیز کسب نموده‌اند. عدم تعهد آبخیزنشین نسبت به حفاظت آب و خاک در حوزه‌های آبخیز به دلیل کم توجهی برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران دولتی به جایگاه اطلاعاتی و اجرایی مردم بومی در این فرایند بوده و هست؛ به طوری که در صورت الزام شرکت‌های پیمانکار در استفاده از نیروهای بومی به نوعی هم این افراد با فرهنگ مشارکت آشنا می‌شوند و هم به گونه‌ای خود را در منفعت اجرای این پروژه‌ها سهیم دانسته و در حفاظت از آن‌ها کوشا تر هستند (بنی‌اسدی، ۱۳۹۴).

توسعه روستایی زمانی محقق می‌شود که دانش بومی به وسیله دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان توسعه مورد توجه قرار گیرد. هر برنامه‌ی توسعه‌ی روستایی زمانی موفق‌تر خواهد بود که مردم محلی، تشکل‌ها و سازمان‌های غیر دولتی محلی در تمامی مراحل آن از ابتدا تا انتها خصوصاً در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی آن ایفای نقش نمایند. در کشورهای در حال توسعه، معدن‌کاری، اغلب با بی‌توجهی به آثار اجتماعی آن همراه بوده است. دلیل عمده‌ی این امر، سرمایه‌گذاری بر مبنای منفعت و صرف اقتصادی است. در بسیاری از موارد، سرمایه‌گذاری بدون توجه به آثار اجتماعی ناشی از آن، علی‌الخصوص در نقاط توسعه نیافته‌ی روستایی دوردست، انجام پذیرفته است. عدم توجه به مشارکت آبخیزنشینان در این امر باعث می‌شود که اکثر مناطق اطراف مجموعه‌های بزرگ معدنی، پیشرفت متعادل و متناسب با فعالیت‌های مذکور را در طول سالیان مختلف نداشته باشند (بنی‌اسدی، ۱۳۹۴).

بقایی (۱۳۷۸)، در پژوهش خود به بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در حوزه‌ی آبخیز زر چشمه‌ی هوجان پرداخت. پرسشنامه، ابزار جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق بود. ضریب پایایی آن نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مختلف به دست آمد. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای سن، میزان منزلت اجتماعی، میزان مشارکت اجتماعی، میزان نگرش نسبت به مشارکت، میزان نوگرایی، میزان اعتماد به افراد مختلف، و میزان تمایل به انجام کارهای جمعی با میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

سعدالدین و همکاران (۱۳۸۶)، در بررسی خود پیرامون مسایل اقتصادی و اجتماعی در حوزه‌ی آبخیز رامیان استان گلستان به این نکته اشاره می‌کنند که استفاده‌ی بهینه و مناسب از منابع آبخیز، بدون در نظر گرفتن معیارها و مسایل اقتصادی و اجتماعی این منابع، امکان‌پذیر نخواهد بود. یکی از دلایل شکست برنامه‌های مدیریتی در سطح آبخیز عدم پذیرش فعالیت‌ها برای آبخیزنشینان می‌باشد.

سلیمان‌پور (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان بررسی مشارکت‌پذیری و توسعه‌ی پایدار در مدیریت جامع منابع طبیعی، مدیریت و برنامه‌ریزی جامع در منابع طبیعی را یک فرایند مدیریتی چند جانبه می‌داند که تمامی افراد در داخل عرصه (حوزه-ی آبخیز) ذینفع را شامل می‌شود. ایشان چنین نتیجه‌گیری می‌کند که توسعه‌ی یک برنامه‌ی مدیریت جامع بر پایه‌ی اصول رویکرد جامع‌نگر، فرایند باز، فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری جمعی است؛ لذا موفق بودن برنامه‌های توسعه‌ی پایدار و مشارکت مردمی، باید گزینش افراد منتخب حوضه جهت آموزش، جمع‌آوری منظم اطلاعات محلی توسط مردم، تغییر ساختار و باورهای نظام اداری کشور، تصویب و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی ملی و انجام مطالعات و تحقیقات تکمیلی را در دستور کار قرار دهد.



علی‌پور و ملکیان (۱۳۹۱)، با بررسی نقش مشارکت مردمی در پروژه‌های آبخیزداری حوزه‌ی آبخیز ایور به این نتیجه رسیدند که مشارکت آبخیزداران و بهره‌برداران در طرح‌های آبخیزداری و منابع طبیعی در حوزه‌های آبخیز امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی به شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی مراکز خدمات جهاد کشاورزی در شهرستان آمل پرداخته‌اند. نتایج یافته‌های تحلیلی این پژوهش نشان داد که بین سن، سطح تحصیلات، درآمد ماهیانه، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های نگرشی، و ویژگی‌های اقتصادی زنان روستایی با میزان مشارکت آن‌ها در برنامه‌های آموزشی-ترویجی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که ویژگی‌های اقتصادی، سطح تحصیلات، میزان درآمد، عوامل نگرشی، سن و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، ۳۷ درصد از تغییرات میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی را تبیین می‌کنند.

کیل‌سیونگ^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهش خود به بررسی طرح‌های توسعه‌ی مدیریت جامع حوزه‌ی آبخیز در یک منطقه‌ی شهری در کره‌ی جنوبی پرداخت. به عقیده‌ی وی، لازمه‌ی اجرای هر طرح توسعه‌ای، مشارکت ذی‌نفعان می‌باشد. با عنایت به موارد فوق، پژوهش حاضر برای اولین بار در ایران، اقدام به بررسی و ارزیابی نگرش آبخیزنشینان نسبت به مشارکت در واگذاری معادن از منظر عوامل اقتصادی در حوزه‌ی آبخیز دریاچه‌ی بختگان با بررسی‌های میدانی (توسط پرسشنامه) نموده است.

مواد و روش‌ها

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل آبخیزنشینان مستقر در حوزه‌ی آبخیز دریاچه‌ی بختگان می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه‌ی عوامل اقتصادی شامل ۱۱ سؤال بر مبنای طیف لیکرت، از ۱= خیلی زیاد تا ۵= خیلی کم، در واگذاری طرح‌های بهره‌برداری از معادن (به عنوان متغییر وابسته تحقیق) می‌باشد. طبق بررسی‌ها مشخص گردید که حدوداً ۲۰۰ خانوار در محدوده‌ی اطراف معادن ساکن هستند؛ بنابراین به منظور تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران^۲ استفاده شد و با خطای ۱۰ درصد مشخص گردید که تعداد ۶۵ پرسشنامه بایستی تکمیل گردد که پس از تکمیل این تعداد پرسشنامه، ۵ عدد از آن‌ها مخدوش بود که در بررسی‌ها استفاده نشد و در نهایت تعداد ۶۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (در تکمیل پرسشنامه‌ها سعی شد در هر خانوار، تنها یک پرسشنامه تکمیل شود).

روائی‌ظاهری^۳ پرسشنامه توسط گروهی از متخصصان علوم ترویج و آموزش کشاورزی، آبخیزداری و منابع طبیعی مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازم صورت پذیرفت. آزمون راهنما^۴ با جامعه‌ی آماری با تعداد ۲۰ پرسشنامه صورت پذیرفت و با داده‌های کسب شده و با استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS^۵ (نسخه‌ی ۲۲)، اعتبار پرسشنامه به دست آمد. شایان ذکر است در این پژوهش، پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS (نسخه‌ی ۲۲)، از روش آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی، و درصد)، و آمار استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن)، به منظور تجزیه

¹- Kill seong

²- Cochran

³- Face validity

⁴- Pilot test

⁵- Statistical Package in Social Science



و تحلیل داده‌ها به منظور بررسی معنی داری بین ویژگی‌های اقتصادی و متغیر میزان مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های معدن استفاده شد.

نتایج

مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه در حد مناسب (بالای ۰/۶) بود که مورد قبول این پژوهش می‌باشد (جدول ۱).

جدول ۱- میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه

ضریب آلفای کرونباخ	پرسشنامه
۰/۶۰۴	۲۰ پرسشنامه‌ی اول
۰/۶۰۰	تمام پرسشنامه‌ها (۶۰ عدد)

یافته‌های تحقیق در مورد بررسی عوامل اقتصادی مرتبط با واگذاری معادن در منطقه‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد که در حدود ۸۲ درصد (۴۹ نفر) از پاسخگویان معتقد هستند که مشکلات اقتصادی در منطقه باعث گرایش به بهره‌برداری از معادن در منطقه بوده است و همچنین ۶۶ درصد (۳۹ نفر) از پاسخگویان بر این باور هستند که پدیده‌ی واگذاری معادن به طور خیلی زیاد و زیاد در منطقه وجود دارد. همچنین در راستای پاسخ به این سؤال که چه میزان در سال‌های اخیر پدیده‌ی واگذاری معادن در این منطقه افزایش داشته است، ۶۰ درصد (۳۶ نفر) پاسخگویان اعلام داشته‌اند که این بحث به طور زیاد و خیلی زیادی وجود دارد و همچنین ۵۵ درصد (۳۳ نفر) اعلام داشته‌اند که در ده سال اخیر واگذاری معادن در این منطقه افزایش یافته است.

در حدود ۸۰ درصد از پاسخگویان (۴۸ نفر) نیز اعلام داشته‌اند که انگیزه‌های اقتصادی عامل اصلی در موضوع افزایش واگذاری معادن می‌باشد. حدود ۶۷ درصد (۴۰ نفر) از پاسخگویان نیز گفته‌اند که پس از اجرای طرح‌های معدن در منطقه، تعداد بهره‌برداران معادن در منطقه افزایش زیادی داشته است و همچنین میزان تعرض و رقابت بر سر معادن جدید افزایش یافته است.

در رابطه با افزایش میزان درآمد خانوارهای منطقه پس از واگذاری معادن نیز حدود ۵۱ درصد از جمعیت مورد پرسش (۳۰ نفر) اعلام داشته‌اند که به طور متوسط به درآمد خانوارهای منطقه اضافه شده است ولی همه‌ی جمعیت پاسخگو (۶۰ نفر)، اعلام داشته‌اند که میزان سطح امکانات رفاهی در منطقه پس از احداث معادن به مقدار کمی افزایش یافته است. در کل حدود ۳۹ درصد از جمعیت پاسخگو (۲۳ نفر) اعلام داشته‌اند که افزایش واگذاری معادن در بهبود سطح زندگی ساکنان منطقه تأثیر مثبتی داشته است. حدود ۳۶ درصد (۲۱ نفر) نیز بر این باور هستند که افزایش میزان واگذاری معادن، باعث کاهش سطح زیر کشت (باغات و کشاورزی) در منطقه شده است و همچنین ۴۰ درصد (۲۴ نفر) نیز اعلام کردند که این موضوع باعث کاهش سطح میزان تولید علوفه طبیعی و دامداری در منطقه و ایجاد محدودیت برای منابع آب و آبخشور دام شده است.

با بررسی میانگین، انحراف از معیار و ضریب تغییرات در ویژگی‌های عوامل اقتصادی مشخص گردید که افزایش میزان بهره‌برداران معادن در منطقه و افزایش میزان معادن در منطقه (مخصوصاً در سال‌های اخیر) نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به سایر پارامترهای مورد بررسی را در این زمینه ایفا می‌کنند (جدول ۲).



جدول ۲- بررسی پارامترهای عوامل اقتصادی آبخیزنشینان

انحراف معیار	میانگین	متغیرها
۰/۸۴	۲/۷۳	مشکلات اقتصادی در منطقه باعث گرایش به بهره‌برداری از معادن در منطقه بوده است؟
۰/۷۷	۲/۰۵	چه میزان در حوزه آبخیز دریاچه‌ی بختگان پدیده‌ی واگذاری معادن وجود دارد؟
۰/۸۳	۲/۱۷	سال‌های اخیر پدیده‌ی واگذاری معادن در این منطقه روندی افزایشی داشته است؟
۱/۱۱	۳/۳۸	در ده سال اخیر واگذاری معادن در این منطقه افزایش یافته است؟
۱/۰۸	۲/۲۸	انگیزه‌های اقتصادی به چه میزان در موضوع افزایش واگذاری معادن تأثیر داشته است؟
۰/۷۸	۲/۰۰	پس از اجرای طرح‌های معدن در منطقه، تعداد بهره‌برداران معادن در منطقه چه مقدار افزایش داشته است؟
۱/۰۲	۲/۸۰	میزان تعرض و رقابت بر سر معادن جدید با احداث معادن در منطقه تا چه اندازه افزایش یافته است؟
۱/۱۱	۳/۵۵	تا چه حد پروژه‌های واگذاری معادن منطقه بر روی بهبود وضع اقتصادی منطقه تأثیر داشته است؟
۱/۰۳	۳/۶۰	درآمد خانوارهای منطقه پس از واگذاری معادن افزایش یافته است؟
۰/۵۰	۴/۵۰	میزان سطح امکانات رفاهی در منطقه پس از احداث معادن چه مقدار افزایش یافته است؟
۰/۸۴	۴/۰۳	افزایش واگذاری معادن به چه میزان باعث کاهش سطح زیر کشت (باغات و کشاورزی) در منطقه شده است؟
۰/۰۱	۳/۹۷	افزایش واگذاری معادن چه مقدار بر کاهش سطح میزان تولید علوفه طبیعی و دامداری منطقه اثر داشته است؟
۰/۹۴	۳/۸۵	افزایش واگذاری معادن به چه میزان باعث محدودیت منابع آب و آبشخور دام در منطقه شده است؟
۰/۸۳	۳/۹۸	افزایش واگذاری معادن چه مقدار در بهبود سطح زندگی ساکنان منطقه تأثیر داشته است؟

در پژوهش حاضر در ارتباط با بررسی معنی‌داری بین ویژگی‌های اقتصادی و متغیر میزان مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های معدن از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. همان‌طور که در نتایج به دست آمده در جدول ۳ مشخص است بین پارامتر میزان کاهش سطح زیر کشت (باغ‌ها و کشاورزی) در منطقه (به واسطه‌ی افزایش معادن) و میزان مشارکت در طرح‌های معدن رابطه‌ی همبستگی مثبت و در سطح ۹۵ درصد معنی‌داری را شاهد هستیم (۰/۲۱۸ و ۰/۰۳). این مطالب نشان‌دهنده‌ی این موضوع هستند که هر چه میزان کاهش سطح زیر کشت (باغات و کشاورزی) در منطقه کمتر باشد، میزان مشارکت افراد در طرح‌های معدن نیز کمتر بوده است.

همچنین بین متغیر بهبود سطح زندگی ساکنان منطقه (با افزایش در تعداد معادن) و میزان مشارکت در طرح‌های معدن در منطقه نیز یک رابطه‌ی مثبت در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار را شاهد هستیم (۰/۲۶۶ و ۰/۰۰۸). این مطالب نشان‌دهنده‌ی این موضوع هستند که هر چه میزان سطح زندگی ساکنان منطقه بهتر شود، میزان مشارکت افراد در طرح‌های معدن نیز بیشتر بوده است. مطالب فوق نشان‌دهنده‌ی این موضوع هستند که متغیرهای واسطه، میزان کاهش سطح زیر کشت (باغات و



کشاورزی) در منطقه و بهبود سطح زندگی ساکنان منطقه می‌تواند بر نوع پاسخ‌های ارائه شده توسط پاسخگویان و همچنین جهت‌گیری‌های آنان مؤثر باشد.

جدول ۳- تعیین رابطه بین متغیرهای ویژگی‌های اقتصادی و میزان مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های معدن

معنی داری	ضریب همبستگی	متغیرها
۰/۸۴۸	-۰/۰۱۹	مشکلات اقتصادی در منطقه باعث گرایش به بهره‌برداری از معادن در منطقه بوده است؟
۰/۵۹۷	۰/۰۵۴	چه میزان در حوزه‌ی آبخیز دریاچه‌ی بختگان پدیده‌ی واگذاری معادن وجود دارد؟
۰/۵۴۶	۰/۰۶۱	سال‌های اخیر پدیده‌ی واگذاری معادن در این منطقه روندی افزایشی داشته است؟
۰/۹۸۷	-۰/۰۰۲	در ده سال اخیر واگذاری معادن در این منطقه افزایش یافته است؟
۰/۹۱۹	۰/۰۱	انگیزه‌های اقتصادی به چه میزان در موضوع افزایش واگذاری معادن تأثیر داشته است؟
۰/۷۵۴	-۰/۰۳۲	پس از اجرای طرح‌های معدن در منطقه، تعداد بهره‌برداران معادن در منطقه چه مقدار افزایش داشته است؟
۰/۶۳	۰/۰۴۹	میزان تعرض و رقابت برسر معادن جدید با احداث معادن در منطقه تا چه اندازه افزایش یافته است؟
۰/۷۹۱	۰/۰۲۷	تا چه حد پروژه‌های واگذاری معادن منطقه بر روی بهبود وضع اقتصادی منطقه تأثیر داشته است؟
۰/۹۳۴	-۰/۰۰۸	درآمد خانوارهای منطقه پس از واگذاری معادن افزایش یافته است؟
۰/۴۱۱	-۰/۰۸۳	میزان سطح امکانات رفاهی در منطقه پس از احداث معادن چقدر افزایش یافته است؟
۰/۰۳	۰/۲۱۸	افزایش واگذاری معادن به چه میزان باعث کاهش سطح زیر کشت (باغات و کشاورزی) در منطقه شده است؟
۰/۳۱۷	۰/۱۰۱	افزایش واگذاری معادن چقدر بر کاهش سطح میزان تولید علوفه طبیعی و دامداری منطقه اثر داشته است؟
۰/۵۷۹	-۰/۰۵۶	افزایش واگذاری معادن به چه میزان باعث محدودیت منابع آب و آبشخور دام در منطقه شده است؟
۰/۰۰۸	۰/۲۶۶	افزایش واگذاری معادن چه مقدار در بهبود سطح زندگی ساکنان منطقه تأثیر داشته است؟

با بررسی عوامل اقتصادی مشخص گردید که افزایش میزان بهره‌برداران معادن در منطقه و افزایش میزان معادن در منطقه (خصوصاً در سال‌های اخیر) نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به سایر پارامترهای مورد بررسی را در این زمینه ایفا می‌کنند. همچنین مشخص شد که افزایش میزان جمعیت، پدیده‌ی واگذاری معادن را به طور زیادی افزایش داده است؛ به علاوه انگیزه‌های اقتصادی مطابق با گفته‌ی اکثریت آبخیزنشینان در منطقه‌ی مورد مطالعه تأثیر بیشتری را در گرایش به بهره‌برداری (از معادن) منطقه داشته است که این نتیجه‌گیری با نتایج سایر محققانی چون بقایی (۱۳۷۸)، راهی (۱۳۸۰)، محسنی‌ساروی و همکاران (۱۳۸۲)، منصوریان و محمدی‌گلرنگ (۱۳۸۲)، سعدالدین و همکاران (۱۳۸۶)، سلیمان‌پور (۱۳۸۶)، علی‌بیگی و



مرادی (۱۳۸۶)، رضایی (۱۳۹۱)، علی‌پور و ملکیان (۱۳۹۱)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، جورج (۱۹۹۲)، و چس و همکاران (۲۰۰۰)، که در زمینه‌های مشابه فعالیت داشته‌اند همسو می‌باشد.

پیشنهادها

- با توجه به این که این پژوهش برای اولین بار در ایران در زمینه‌ی مشارکت در طرح‌های واگذاری معادن صورت پذیرفته است؛ بدین منظور پیشنهاد می‌گردد که تحقیقات مشابه در مناطق دیگر صورت گرفته تا زوایایی بیشتر این پدیده روشن گردد.

- از روش‌های تحلیل سلسله مراتبی برای بررسی دلایل مشارکت در طرح‌های معدن در مناطق مختلف استفاده گردد و نتایج حاصله با نتایج این پژوهش که بر اساس پرسشنامه‌ی طیف لیکرت بود مقایسه گردد.

- بررسی‌های دیگر با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (ANP و AHP) انجام شود و نرم‌افزارهایی برای هر کدام از این روش‌ها تهیه گردد تا بتوان با داشتن یک بانک نرم‌افزاری جامع در مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، روش‌ها و راهکارهای مشارکت در طرح‌های معدن را با انواع مختلف این روش‌ها ارزیابی نمود و سپس با توجه به نتایج مجموع این روش‌ها به انتخاب رهیافت‌های ارجح پرداخت.

- این پژوهش می‌تواند شروعی برای اولویت‌بندی گزینه‌های قابل اجرا در بحث‌های مدیریتی معادن در حوزه‌های آبخیز کشور باشد؛ البته برای دقیق‌تر شدن نتایج می‌توان هر یک از معیارها را به صورت کمی در آورد و مدل نمود که این مورد نیز برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- احمدپور، ا.، علیزاده، م.، و مومنی‌هلالی، ه.، (۱۳۹۳)، شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی مراکز خدمات جهاد کشاورزی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان آمل)، مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۳(۸)، ۳۷-۴۹.
- بقایی، م.، چیدری، م.، پزشکی‌راد، غ.ر.، و فعلی، س.، (۱۳۸۷)، عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت روستاییان حوزه‌ی آبخیز زرچشمه هونجان در طرح‌های آبخیزداری، مجله‌ی علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۴(۱)، ۷۳-۸۷.
- بنی‌اسدی، ح.، (۱۳۹۴)، ارزیابی و بررسی نگرش کارشناسان و آبخیزنشینان نسبت به مشارکت در واگذاری معادن (مطالعه‌ی موردی: حوزه‌ی آبخیز دریاچه‌ی بختگان)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی- آبخیزداری، دانشکده‌ی کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران.
- دیانتی، ع.، و سلیمان‌پور، س.م.، (۱۳۹۳)، نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه‌ی پایدار منابع آب، مجموعه مقالات سومین همایش بین‌المللی سامانه‌های سطوح آبیگر باران، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
- راهی، غ.ر.، (۱۳۸۰)، بررسی و ارزیابی اقتصادی و اجتماعی عملیات سازه‌ای و بیولوژیک سنتی و نوین حفاظت آب و خاک در استان بوشهر، مجموعه مقالات نخستین همایش آبخیزداری و مدیریت استحصال آب در حوزه‌های آبخیز، بوشهر، ایران.
- رضایی، ر.، ودادی، ا.، و مهردوست، خ.، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری حوزه-ی آبخیز خمارک، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های روستایی، ۳(۱)، ۱۹۹-۲۲۱.



یازدهمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران

توسعه مشارکتی در مدیریت حوزه‌های آبخیز

11th National Conference on Watershed Management Sciences and Engineering of Iran
Participatory Development in Watershed Management



۳۱ فروردین لغایت ۲ اردیبهشت ۱۳۹۵

April 19-21, 2016

سعدالدین، ا.، مصطفی‌زاده، ر.، و هلیلی، م.ق.، (۱۳۸۶)، پیش‌بینی اثرات اقتصادی و اجتماعی اجرایی سناریوهای مدیریت پوشش گیاهی در حوزه آبخیز رامیان استان گلستان، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران.

سلیمان‌پور، س.م.، (۱۳۸۶)، بررسی مشارکت‌پذیری و توسعه پایدار در مدیریت جامع منابع طبیعی، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران.

علی‌بیگی، ا.م.، و مرادی، ح.، (۱۳۸۶)، مدیریت مشارکتی آبخیزها (مفاهیم و راهکارها و چالش)، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی و علوم مهندسی آبخیزداری ایران، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران.

علی‌پور، ح.، و ملکیان، آ.، (۱۳۹۱)، نقش مشارکت مردمی در پروژه‌های آبخیزداری حوزه آبخیز ایور، مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

محسنی‌ساروی، م.، فرزادگان، م.، کوپاهی، م.، و خلقی، م.، (۱۳۸۲)، تعیین الگوی بهینه بهره‌برداری از منابع حوزه‌های آبخیز با استفاده از برنامه‌ریزی هدف، فصل‌نامه منابع طبیعی ایران، ۵۶ (۱ و ۲)، ۳-۱۶.

منصوریان، ن.، و محمدی‌گلرنگ، ب.، (۱۳۸۲)، بررسی اقتصادی-اجتماعی طرح‌های آبخیزداری در ایران (مطالعه‌ی موردی: حوزه آبخیز کامه خراسان رضوی)، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

Chess, C., Hanger, B.J., and Gibson, G., (2000), Adaptive participation watershed management, Journal of soil and water conservation, 55(3), pp. 34-42.

George, S., (1992), Generalization in rural development: eleven village in South Gujarat, Journal of international, 18(2), pp. 437-762.

Kill seong, L., (2012), Development of integrated watershed management schemes for an intensively urbanized region in Korea, Journal of Hydro- environment Research, 6(2), pp. 95-109.